

نقش سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی در میزان احساس شهروندی

محمد گنجی^۱، محسن نیازی^۲، زهرا اسلامی برزکی^۳

چکیده

شهروندی به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی مدرن یکی از مؤلفه‌های محوری نظام‌های سیاسی دموکراتیک و شاخصی کلیدی برای نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه‌ی مدرن است. از طرفی شهروندی نیازمند احساس عضویت اجتماعی بوده و توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی به شهروندان فعال نیاز دارد و شهروندی فعال، نیازمند وجود احساس شهروندی است. در این راستا پژوهش حاضر، به بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی در میزان احساس شهروندی در بین شهروندان شهر کاشان پرداخته است. حجم نمونه‌ی این پژوهش ۳۱۸ نفر بوده و با شیوه‌ی پیمایشی مبتنی بر پرسش‌نامه صورت پذیرفته است. در این مقاله احساس شهروندی به چهار بعد احساس برابری فرصتی، احساس برابری توزیعی، احساس برابری مشارکتی و احساس هویت اجتماعی تقسیم شده است. بر اساس نتایج به دست آمده میزان احساس شهروندی شهروندان کاشانی با میانگین ۲/۴۷ در دامنه‌ی ۱-۴ در سطح متوسط است. سرمایه‌ی اجتماعی شامل ابعاد اعتماد، انسجام، مشارکت و آگاهی اجتماعی با میانگین ۲/۹۸ در دامنه‌ی ۱-۵ در سطح متوسط و سرمایه‌ی فرهنگی نیز با ابعاد ذهنی، عینی و نهادی، با میانگین ۱/۸۸ در دامنه‌ی ۱-۵ در سطحی پایین‌تر از متوسط قرار دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین میزان سرمایه‌ی اجتماعی ($p < 0/001, r = 0/45$) و سرمایه‌ی فرهنگی

m.ganji@kashanu.ac.ir

niazim@kashanu.ac.ir

z1_eslami@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۱۲

۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان

۲- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان

۳- کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)

تاریخ وصول: ۹۴/۴/۹

($p < 0/001, r = 0/18$) با احساس شهروندی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. R^2 به دست آمده از تحلیل رگرسیون ۲۰٪ است که نشان می‌دهد که این دو متغیر و بویژه سرمایه‌ی اجتماعی می‌توانند ۲۰٪ از واریانس احساس شهروندی را تبیین نمایند.

واژگان کلیدی: شهروندی، احساس شهروندی، سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه‌ی اجتماعی

مقدمه

شهروندی به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی مدرن از مؤلفه‌های محوری نظام‌های سیاسی دموکراتیک و شاخصی کلیدی برای نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه‌ی مدرن است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۲) و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد. شهروندی موقعیتی است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است (پورعزت، قلی پور و باغستانی برزکی، ۱۳۸۸: ۱۰).

هیتر^۱، واژه‌ی شهروندی را در ارتباط با دو ایده‌ی موقعیت و احساس بیان نموده است. از نظر وی آنچه اهمیت درخور توجهی دارد، احساس شهروند بودن است. احساس شهروندی از سویی، خصیصه‌ای درونی شده، به عنوان بخشی از جامعه‌پذیری است که نشان‌دهنده‌ی انصاف در تمام امور همراه با پذیرش مردم به عنوان همشهری است که بدین ترتیب، احترام به حقوق آن‌ها را در پی دارد و از سوی دیگر، امری بیرونی است که حاکی از وظایف و حقوق است (نبوی و دیگران، ۱۳۸۰: ۹۰-۹۶). این مفهوم جنبه‌ای مهم از شهروندی است که نقش بسزایی در تحکیم و تقویت بنیان‌های اجتماعی هر جامعه دارد. با توجه به اینکه احساس شهروندی انگیزه‌ی کلیدی برای عمل به شهروندی است؛ بنابراین مشخص است که احساس شهروندی در خلق موقعیت شهروندی از اهمیت به سزایی برخوردار است. یک جامعه‌ی سیاسی سالم به شهروندان فعال نیاز دارد (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۵۱)؛ و شهروندی فعال نیازمند وجود احساس شهروندی است و بدون شناخت میزان آن نمی‌توان انتظار برنامه‌ریزی دقیقی برای بهبود شرایط اجتماعی از طریق افزایش شهروندی فعال داشت.

در چند سال گذشته شهروندی در ایران موضوع چندین مطالعه‌ی حقوقی (شیانی و داوودوند، ۱۳۸۹)، تاریخی (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳) و تجربی (لطف آبادی، ۱۳۸۵ و...) قرار گرفته و به نظر می‌رسد برخی از ابعاد این مفهوم تا حدی روشن شده است. پژوهش‌هایی نیز در زمینه‌ی احساس شهروندی (یوسفی و هاشمی، ۱۳۸۷) و عوامل مؤثر بر آن (نبوی، ارشاد و فاضل، ۱۳۸۸) انجام شده است. در خارج از ایران نیز پژوهش‌هایی با محوریت شهروندی در زمینه‌های آموزش (دوسی، استنباچ و مستی، ۲۰۱۲ و جرارد دلانتی، ۲۰۰۳)، فرهنگ (کیملیکا، ۲۰۱۱)، مشارکت (وود، ۲۰۱۳) و احساس شهروندی (دوایر، ۲۰۰۲) انجام شده است. این بررسی‌ها به سنجش میزان آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی، تأثیر زمینه‌های ساختاری و دسترسی به منابع و برخورداری از امکانات در آگاهی از حقوق شهروندی پرداخته؛ شهروندی را در رابطه با جهانی شدن و فرهنگ مورد بررسی قرار داده‌اند؛ برخی از آثار نیز با رویکرد برنامه‌ریزی آموزشی به شناسایی نقاط ضعف در شناخت حقوق و وظایف شهروندی و محورهای مورد نیاز برای آموزش معطوف شده‌اند؛ وضعیت شهروندی ایران را در طول تاریخ تشریح کرده‌اند و به طور کلی شهروندی را از جنبه‌های مختلف اجتماعی فرهنگی مورد بررسی قرار داده و کوشیده‌اند راه‌حل‌هایی برای تحقق بیشتر شهروندی ارائه دهند. احساس شهروندی جنبه‌ای مهم از شهروندی است که نقش بسزایی در تحکیم و تقویت بنیان‌های اجتماعی هر جامعه دارد و این احساس زمانی ایجاد می‌شود که عوامل زمینه‌ای آن شناسایی و تقویت گردد. با این وجود احساس شهروندی از موضوعاتی است که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و به نظر می‌رسد که انجام پژوهش‌های بیشتر در این زمینه بتواند برای شناخت راهکارهای تحقق شهروندی مفید واقع گردد. پژوهش حاضر در راستای بررسی امکانات بهبود شرایط دموکراتیک و مشارکت مردمی در توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی می‌کوشد علاوه بر بررسی میزان احساس شهروندی به عنوان انگیزه‌ی کلیدی برای عمل به شهروندی و نشانه‌ای از گسترش شهروندی و توسعه‌ی جامعه‌ی مدنی، نقش سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی را به عنوان دو عامل اجتماعی و فرهنگی، در میزان

احساس شهروندی شهروندان شهر کاشان مورد بررسی قرار دهد. کاشان از قدیمی‌ترین شهرهای ایران و دومین شهر بزرگ استان اصفهان است. از آنجا که شهر کاشان در سالهای اخیر با توجه به رشد صنعت و مراکز دانشگاهی به نحوی فزاینده رو به توسعه بوده است و شیوه‌های زندگی سستی در آن در حال تغییر به شیوه‌های مدرن است. از یک سو می‌تواند نمونه‌ی مناسبی از وضعیت ایران به عنوان جامعه‌ای در حال گذار از سنت به مدرنیته باشد؛ از سوی دیگر کاشان به عنوان شهری مهاجرپذیر نیازمند تقویت احساس شهروندی و به عنوان شهری در حال توسعه، نیازمند ایجاد جلب هرچه بیشتر مشارکت شهروندان در فرایندهای توسعه است؛ علاوه بر این کاشان به عنوان شهری مذهبی در پی تقویت ارزش‌ها و هنجارهای ملی و مذهبی در جامعه است و این امر بدون احساس تعلق فرد به جامعه عملی نخواهد بود. از این رو نتایج این پژوهش می‌تواند مسئولان را در اتخاذ راهکارهای مناسب برای تقویت احساس شهروندی، ایجاد شهروندی فعال و افزایش مشارکت شهروندان و تقویت ارزش‌ها و هنجارهای جامعه یاری رساند.

مبانی نظری

بر اساس اغلب تعاریف موجود، شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی از حقوق سیاسی مدنی برخوردار است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیف‌هایی به عهده دارد (نوروزی و گل‌پرور، ۱۳۹۰: ۱۷۰). شهروندی صرفاً مقوله‌ای شهری نیست و شهروند فقط به ساکن شهر گفته نمی‌شود بلکه معنایی فراتر از آن را به همراه دارد؛ به تعبیر آنتونی گیدنز^۱: شهروند عضو یک اجتماع سیاسی است که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است. گیدنز حقوق مدنی را حقوق قانونی همه‌ی شهروندانی می‌داند که در اجتماع ملی معینی زندگی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۷۹۵).

هر چند تصور جاری از شهروندی با دو ایده‌ی عضویت در یک جامعه و یا مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف در ارتباط است، اما اسلر^۲ و استارکی^۳ (۲۰۰۵) یک تحلیل فراگیر از

1- Anthony Giddens
2- Osler
3- Starkey

مفهوم شهروندی در یک طبقه‌بندی سه‌گانه ارائه داده‌اند. آن‌ها شهروندی را به عنوان وضعیت (که به فرد حقوق مسکن، اشتغال و آزادی را اعطا می‌کند)، به عنوان یک عمل (مشارکت فعال در ساخت جوامع دموکراتیک) و به عنوان یک احساس (احساس فرد از عضویت در جامعه)، تعریف می‌کنند (آلرد^۱، بایرام^۲ و فلمینگ^۳، ۲۰۰۶: ۱۸۹). بنابراین می‌توان گفت افراد نه فقط به دلیل وضعیت حقوق یا مسئولیت‌هایشان بلکه به خاطر احساس پیوستگی با جامعه و همشهریان‌شان است که شهروند هستند (هیتر، ۲۰۰۶: ۲۲۷). از آنجا که "احساس" به نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها اشاره دارد، می‌توان گفت احساس شهروندی به این امر اشاره دارد که فرد چه برداشتی از خود در ارتباط با دولت و جامعه دارد؛ بنابراین با توجه به تعریف شهروند و شهروندی، فردی که خود را یک عضو فعال و اثرگذار در جامعه احساس کند به وظایف خود عمل نماید و به حقوق خود آگاه باشد و آن‌ها را مطالبه کند، در واقع خود را یک شهروند احساس می‌کند و این به معنای احساس شهروند بودن است.

آغازگر طرح مفهوم شهروندی، ارسطو^۴ است. وی با تعریف شهروند به عنوان فردی که به عنوان یک موجود سیاسی - اجتماعی در امر جامعه‌اش مشارکت دارد و از طریق این مشارکت قادر است تا هستی اجتماعی - سیاسی‌اش را تحقق بخشد، واضح نظریه‌ی شهروندی پیشامدرن محسوب می‌گردد (منوچهری و نجاتی حسینی، ۱۳۸۵: ۴). ارسطو تعریف خود از شهروندی را بر پایه‌ی مفهوم قدرت فرماندهی می‌گذارد. از نظر او شهروند بودن یک حرفه یا حق نیست، یک قدرت است و شهروند مجری قدرت همگانی دولت - شهر است (برناردی، ۱۳۸۲: ۲۳۲ و ۲۳۱). در روزگار ارسطو، شهروندی در دولت - شهرهای یونانی، به معنی برخورداری از امتیازات خاص بود که از زمان تولد ایجاد می‌شد. بر اساس دیدگاه ارسطو آدمیان برابر نبودند و فقط عده‌ی کمی از انسان‌ها، به واقع شهروند محسوب می‌شدند (پورعزت، باغستانی برزکی و نجاتی آجی بیشه،

-
- 1- Alred
 - 2- Byram
 - 3- Fleming
 - 4- Aristotle

۱۳۸۶: ۱۳۴). سقراط^۱ از اندیشمندان دیگر دوره‌ی پیشامدرن بود که انجام وظایف مدنی و خودداری از نقض مقررات جامعه، دو ویژگی عمده‌ی زندگی او به عنوان شهروند آتن بود (زارع، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

آگوستین^۲ از فلاسفه‌ی قرن چهارم میلادی؛ معتقد بود که انسان، شهروند دو شهر است: شهر محل تولد و شهر خدا؛ به نظر وی افراد نباید دغدغه‌ی زندگی دنیایی را داشته باشند و باید به درون پناه ببرند و به تفکر در خود و عبادت پردازند (فالكس، ۱۳۸۱: ۳۳). اما ماکیاولی^۳ در قرن شانزدهم معتقد بود نیروها و توانایی‌های بالقوه‌ی انسان در صورتی امکان ظهور می‌یابند که یک فرد، شهروند اجتماع سیاسی مستقل باشد. وی شرط مورد انتظار از شهروند را عمل به «فضیلت مدنی» می‌دانست (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۳).

هرچند در دولت‌شهرهای یونانی، شهروندی تنها بخش محدودی از جمعیت را در بر می‌گرفت اما ایجاد امکان مشارکت گسترده در امور جامعه می‌توانست زمینه‌ی احساس شهروندی کسانی را که از این پایگاه برخوردارند تأمین کند. بر خلاف تفاسیر انحصاری یونانیان از شهروندی، برداشتهای رومیان از این مفهوم با گسترش امپراطوری‌شان به طور فزاینده‌ای فراگیر و گسترده شد. اما شهروندی در این دوره به جای تکیه بر مشارکت فعال در ایجاد و اجرای قانون به حمایت برابر در سایه‌ی قانون تأکید داشت و از این رو برای اکثریت عظیم شهروندان احساس شهروندی کم‌رنگ شده و شهروندی به یک محافظت قضایی تنزل یافته بود. پس از فروپاشی روم، اهمیت شهروندی در غرب حتی بیشتر کاهش یافت. همان‌طور که در اندیشه‌ی آگوستین دیده می‌شود، در این دوره تعقیب افتخار از طریق اعمال شهروندی جای خود را به جستجوی نجات فردی داد؛ به این معنی که در این دوره احساس شهروندی دچار فراموشی طولانی مدتی گردید. اما در پایان این دوره و با ظهور رنسانس و اندیشه‌های آن، اندیشه‌ی شهروندی دوباره مطرح شد و مورد توجه قرار گرفت.

-
- 1- Socrates
 - 2- Saint Augustinus
 - 3- Machiavelli

هرچند اندیشه‌ی شهروندی طی دوره‌های مختلف پیشامدرن دچار تحولات و تغییرات فراوانی شد با این همه می‌توان گفت ایده‌ی شهروندی پیشامدرن مبنایی برای ایده‌ی شهروندی مدرن بوده است. نسخه‌ی مدرن شهروندی با فرآیندهای صنعتی شدن در اثر انقلاب‌های آمریکا و فرانسه مرتبط است. آزادی قرارداد و حفاظت از حقوق مالکیت، عوامل مهمی بودند و رشد بازار به شکستن سلسله‌مراتب سنتی و ترویج برابری و فرصت برابر کمک کرد (ترنر^۱، ۲۰۰۶: ۶۵). پس از انقلاب فرانسه حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی به عنوان ارزش‌های یک جامعه‌ی مدرن، مطرح شد و هنوز هم اهمیت زیادی در جوامع مدرن دارد (عبادالهی، منصوری و زرسازکار، ۲۰۱۱: ۳۰۱۸). همچنین عقاید مدرن شهروندی ارتباط نزدیکی با توسعه‌ی دولت لیبرال دارد که بنیان‌هایش تا پایان قرن شانزدهم ایجاد شده بود، اما در یک جمع‌بندی کلی از نظریه‌ی شهروندی مدرن به یک اعتبار می‌توان دو مکتب لیبرالیسم و مکتب جمهوری‌خواهی را از یکدیگر تفکیک کرد.

در مکتب لیبرالیسم اصالت با فرد است، پس فرد در انتخاب شیوه‌ی زندگی خود، موجودی عقلانی و آزاد است و دولت نیز در این میان نقش بی‌طرف دارد. در این سنت، شهروندی اساساً به مثابه‌ی مجموعه‌ی حقوق فردی تعریف می‌شود. اولین نظریه‌پردازان لیبرال معتقد بودند که شهروند را باید در برابر قدرت رو به رشد دولت مورد حفاظت قرار داد. بدون حقوق مدنی حیات، آزادی و مالکیت، افراد، همواره در معرض قدرت خودسرانه‌ی سیاسی خواهند بود (فالكس، ۱۳۸۶: ۷۸). هابز^۲ از جمله متفکران لیبرال؛ معتقد است مادامی که شهروندان از حقوق شهروندی برخوردار نشوند جامعه‌ی مدنی به معنای واقعی خود شکل نخواهد گرفت. جریان فکری لیبرال از هابز به بعد بر تفکر انگلیسی - آمریکایی غلبه یافته است. در این تفکر حق مشارکت از جمله حقوق افراد است اما اگر آنان نخواهند فعال باشند، موقعیت شهروندی خود را از دست نمی‌دهند (اولدفیلد، ۱۹۹۰ به نقل از نبوی و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۲).

1- Turner

2- Thomas Hobbes

از سوی دیگر برداشت جمهوری‌خواهی مدنی با پیوند آزادی‌های فردی و همبستگی اجتماعی و با تأکید بر اجتماع آغاز می‌شود. شهروندی در این اندیشه یک عمل و فعالیت در نظر گرفته می‌شود. در مجموع، اجتماع‌گرایان جمهوری‌خواه بر چند اصل عمده توافق داشتند؛ از یک سو شهروندان دارای وظایف مدنی یعنی وفاداری نسبت به دولت و رعایت قوانین و حمایت از آن هستند و از دیگر سو، دولت نیز باید طبق قوانین نهادینه شده و نه به شیوه‌ی استبدادی حکومت کند. در این تعامل، افراد آماده‌ی کاهش منافع شخصی در قبال خیر و منافع اجتماعی هستند بنابراین دغدغه‌ی اصلی مکتب جمهوری‌خواهی مدنی، پرورش شهروندانی فعال و سیاسی است (نوروزی و گل‌پرور، ۱۳۹۰: ۱۷۳).

تعاریف لیبرال‌ها و جمهوری‌خواهان از شهروندی مبنای بسیاری از نظریه‌های اجتماعی و سیاسی در دوره‌ی مدرن قرار گرفته است و هر یک از نظریه‌پردازان این دوره، شهروندی را از منظری مورد بررسی قرار داده‌اند. اکنون مروری بر این نظریات خواهیم داشت. در دیدگاه وبر^۱ شهروند بودن به معنای توانایی مشارکت در تصمیم‌گیری و تنظیم سیاست‌ها و نیز شرکت داشتن در انتخاب رهبران است (راد، ۱۳۸۱: ۲۴) درحالی‌که وبر در تعریف خود از شهروندی، بیشتر به حقوق سیاسی شهروندان توجه داشته و مشارکت شهروندان را رکنی اساسی در این زمینه می‌داند؛ برداشت مارکسیستی از حقوق بر پایه‌ی جمع‌گرایی استوار بوده است. مارکس با زیربنا قراردادن اقتصاد و تأثیر آن بر نقش‌های اقتصادی افراد، جامعه را با دو طبقه‌ی حاکم و زیردست مشخص می‌کند و عرصه‌ی جامعه را عرصه‌ی مبارزه‌ی همیشگی این دو طبقه دانسته و جامعه‌ی مدنی را همان جامعه‌ی بورژوازی می‌داند و معتقد بود اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروندی نیز نقابی بر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است. به گمان او شهروندی انقیاد اقتصادی، اجتماعی و عملی محرومان است که باید اصلاح شود. بر این اساس افرادی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و از طرفی از حقوق

شهروندی برخوردار نیستند بنابراین باید با آموزش شهروندان و آگاه کردن آنان از حقوقشان برای ایجاد جامعه‌ی بدون طبقه گام برداشت (هزار جریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۷-۶). در همین راستا دارندورف^۱ نیز شهروندی را موتور پویای حرکت گروه‌های اجتماعی می‌داند، زیرا اگرچه شهروندی یک موقعیت حقوقی برای همه‌ی افراد به شمار می‌رود، اما در واقع یک امتیاز برای عده‌ای از افراد است که از آن برخوردارند (دارندورف، ۱۹۹۴: ۱۸-۱۶ به نقل از شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۴۱).

گفتمان‌های شهروندی، بعد از سال ۱۹۴۵ با تحلیل‌های جامعه‌شناختی تی. اچ. مارشال دچار دگرگونی شد. مقاله وی: "شهروندی و طبقه‌ی اجتماعی" (۱۹۵۰) مبنایی برای تئوری شهروندی مدرن به وجود آورد. او شهروندی را به عنوان موقعیتی که به همه‌ی اعضای یک جامعه اعطا می‌شود، تعریف می‌کند. در این تعریف جایگاه مردم، مستقل از ارزش نسبی آن‌ها که وابسته به مشارکتشان در روند اقتصادی است تعریف می‌شود (گارسیا^۲، ۱۹۹۶: ۹).

مارشال تعهد را جزء ضروری و لاینفک شهروندی بر می‌شمارد (فاطمی‌نیا و حیدری، ۱۳۸۷: ۴۳). او معتقد است شهروندان کسانی هستند که نه تنها متعلق به یک جامعه (دولت) هستند بلکه به آن جامعه احساس تعلق می‌کنند و برای اینکه قادر به احساس تعلقشان به جامعه باشند، مهم است که حقوقی داشته باشند و بدانند که حقوقی دارند (کاول^۳ و هاو^۴، ۲۰۰۵: ۴۵).

مارشال در یک رویکرد تکاملی تاریخی، معتقد است در قرن بیستم حقوق اجتماعی شهروندی در بستر دولت رفاه شکل گرفته و توسعه یافته است. این حقوق که شامل طیف وسیعی از حقوق مربوط به رفاه و امنیت اقتصادی است و حق زندگی طبق استانداردهای رایج زندگی در یک جامعه را شامل می‌شود، به طور مستقیم با نظام آموزش و خدمات مرتبط است. در واقع بعد اجتماعی شهروندی شامل پذیرش این نکته

1- Dahrendrof
2- Garcia
3- Covell
4- Howe

است که دولت در برابر وظیفه‌شناسی و خدمات شهروندان مقروض است تا خدمات خاصی را ارائه دهد (هزارجریبی و شالی، ۱۳۹۰: ۱۵۸) و (اولیور و هیتز، ۱۹۹۴: ۲۰ به نقل از هزار جریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۸).

پارسونز^۱ نیز متأثر از کارهای مارشال، شهروندی را نتیجه‌ی توسعه‌ی مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله‌ی کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله‌ی کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. شهروندی کامل به معنای برخورداری همه‌ی اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوقی است که باید آن را بشناسند و دیگران نیز آن را محترم بشمارند (شیانی و داوودندی، ۱۳۸۹: ۴۱-۴۲).

همچنین براین ترنر نیز طرح و نظریه‌ی مارشال را گسترش داد و آن را در شکل نظری استادانه‌تری طبقه‌بندی کرد. او با پیروی از روش وبری به منابع شهروندی در فرایندهای انطباق با اصول عقلانی قانون، شهرنشینی و شکل‌گیری دولت در غرب و همچنین وضعیت و تضادهای طبقاتی در جنبش‌های اجتماعی اشاره کرد. از همه مهم‌تر او طرح مارشال را با توضیح نقش مبارزات اجتماعی و دولت، در فرایند نهادی شدن قانون تکمیل کرد (پکالسکی، ۱۹۹۷: ۷۵). او در الگوی جامعه‌شناسی از شهروندی، چهار منبع اساسی یعنی شهروندی، هویت، جماعت و منابع (اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) را در تعامل با یکدیگر می‌داند. این چهار مؤلفه در روند متقابل، با شهر نیکو و یا شهر متعالی مرتبط است (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

هر چند اندیشه‌های مدرن با توجه هر چه بیشتر به شهروندی و گسترش آن از حوزه‌های صرفاً حقوقی به حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در نتیجه ایجاد زمینه‌ی تحقق همه‌جانبه‌ی شهروندی کمک زیادی به رشد احساس شهروندی افراد نمود، با این وجود تأکید بر دولت - ملت و عدم توجه کافی به اقلیت‌ها، تمرکز بر ایجاد یک برداشت

مشترک شهروندی و عدم توجه کافی به تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی و اقلیت‌های اجتماعی باعث شد که بخشی از اعضای جامعه احساس کمتری از شهروندی داشته باشند. عدم توجه به اقلیت‌ها باعث می‌شود آنان احساس کنند که طرد شده‌اند. تجربه‌ی تبعیض، احساس تعلق را تضعیف می‌کند. احساس تعلق پیش‌نیاز مشارکت شهروندی است که اگر آن را از دست بدهیم، احساس شهروندی را نیز از دست می‌دهیم (اسلر و استارکی، ۲۰۰۵: ۱۲ و ۱۱)؛ از این رو می‌توان گفت احساس شهروندی در دوره‌ی مدرن با وجود پیشرفت‌های قابل توجهی که داشته، نتوانسته است در مورد اقلیت‌ها به همان اندازه موفق عمل کند.

در انتقاد به دنیای مدرن، پست‌مدرن‌ها مباحث و مجادلاتی را درباره‌ی ارتباط شهروندی با ملیت و جهانی شدن، هویت‌های مختلف فرهنگی، جنسیت و وضعیت اقلیت‌ها مطرح کرده‌اند. فالکس^۱ از جمله‌ی آن پست‌مدرن‌هاست؛ به عقیده‌ی وی حقوق فردی ما تنها هنگامی معنادار هستند که به وسیله‌ی احساس تعهد به دیگران حمایت شوند، دیگرانی که هم حقوق ما را به رسمیت می‌شناسند و هم به ما در ایجاد و پایدار ساختن نهادهای اجتماعی که تحقق حقوق را ممکن می‌سازند، یاری می‌رسانند. او آن دسته از تفاسیر پسامدرن را که منتقد نقاط قوت لیبرالیسم بویژه برابری، حقوق فردی، کمال‌گرایی و شهروندی همگانی هستند رد می‌نماید. او معتقد است در عصری که به نحوی فزاینده‌ی جهانی و پسامدرن می‌شود، شهروندی یک ایده‌ی خوش‌آتیه است چرا که اجزاء تشکیل دهنده‌اش یعنی حقوق، مسؤولیت‌ها و مشارکت سیاسی برای اداره‌ی امور انسان ضروری هستند (فالکس، ۱۳۸۱: ۲۱۵).

آیریس ماریون یانگ^۲ از دیگر متفکران پست‌مدرن است. از نظر او نظریه‌ی شهروندی لیبرال هرچند با طرح موضوع همه‌شمولی به تدریج، امتیازات اشرافی را - با ادعای حقوق سیاسی برابر - به چالش کشید و بدین ترتیب اقلیت‌ها را در شمولیت شهروندی قرار داد اما در عین حال دو معنای دیگر از همه‌شمولی را نیز پرورش داد که بعد

1- Faulks

2- Iris marion young

رهایی بخش شهروندی را مخدوش می‌سازد؛ یک معنا عمومیت به معنای کنار گذاشتن تفاوت‌ها به منظور اجماع بر سر خیر مشترک است و معنای دیگر یکسانی و متحدالشکلی است که بر اساس آن، قوانین به صورت یکسان بر همه اعمال می‌شوند و تفاوت‌های فردی و گروهی را در نظر نمی‌گیرند. از نظر یانگ این دو معنا از همه‌شمولی، متضمن طرد، محرومیت و سرکوب گروه‌های اجتماعی متفاوت از جمله زنان است (توانا، ۱۳۹۰: ۳۰). پیشنهاد یانگ یک شهروندی متمایز گروهی براساس نمایندگی گروهی و حقوق گروهی است. او استدلال می‌کند که تصور یک دیدگاه کلی بی طرف یک افسانه است. گروه‌های اجتماعی متفاوت، فرهنگ و تجربیات متفاوت و بنابراین دیدگاه‌های متفاوتی از روابط اجتماعی دارند. شهروندی نباید به دنبال برتری یافتن چنین تفاوت‌هایی باشد، اما باید آن‌ها را به عنوان موجودیت‌هایی غیر قابل تقلیل تأیید کند و به رسمیت بشناسد (بروبکر^۱ و کوپر^۲، ۲۰۰۲: ۳۲ و ۳۱).

از این رو به نظر می‌رسد بیشترین تلاش نظریه‌های پست مدرن، رد عام‌گرایی‌های نظریات مدرن است که موجب طرد اقلیت‌ها و گروه‌های محروم و حاشیه‌ای از دایره‌ی شهروندی کامل شده است. هرچند در این دوره با توسعه‌ی محلی شدن، چند فرهنگ‌گرایی و مانند آن از شدت احساس تعلق افراد به دولت - ملت خاص کاسته شده است، اما احساس تعلق اجتماعی و شهروندی تا حدود زیادی در اقلیت‌هایی که خود را فاقد موقعیت شهروندی برابر می‌دانستند افزایش یافته است.

در یک جمع‌بندی کلی با توجه به نظریاتی که در این زمینه مرور شد، می‌توان شهروندی را متشکل از سه بعد اساسی دانست:

✓ بعد دموکراتیک که متضمن برابری حق مشارکت در تصمیم‌گیری است. حقوق مشارکت به طور عمده شامل برابری حق رأی یا انتخاب نماینده‌ی سیاسی و حق انتخاب شدن است.

✓ بعد قضایی که شامل برابری در مجموعه‌ای از حقوق و حمایت‌های قانونی

1- Brubaker

2- Cooper

است؛ برابری در «حقوق اظهاری» مثل حق آزادی بیان و عقیده، «حقوق مالکیت» یا کنترل بر دارایی‌های شخصی، «حقوق فرصت» بویژه فرصت آموزش و «حقوق توزیعی» همانند حق مسکن و بیمه.

✓ بعد هویتی یا عضویتی که مشتمل بر وفاداری سیاسی، فضیلت و تعهد مدنی است.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد احساس شهروندی به این امر اشاره دارد که فرد چه برداشتی از خود در ارتباط با جامعه دارد و به چه میزان خود را از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی برخوردار می‌داند. از این رو به نظر می‌رسد ابعاد سه‌گانه‌ی شهروندی را برای مفهوم «احساس شهروندی» نیز می‌توان منظور نمود؛ بدین ترتیب احساس شهروندی، ترکیبی از احساس برابری قانونی، توزیعی، مشارکتی و هویت اجتماعی است (یوسفی و هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۰-۱۱).

احساس شهروندی تنها در صورت تحقق شهروندی کامل است که تقویت می‌شود. نظریه‌پردازان عوامل گوناگونی را برای کمک به تحقق شهروندی مورد تأکید قرار داده‌اند. لیبرال‌ها در اشتغال ذهنی خود از حقوق فردی و استحقاق برخورداری از تندرستی، تعلیم و تربیت، درآمد و شغل و غیره دفاع می‌کنند. جمهوری‌خواهان - مدنی نیز با دادن اولویت به جامعه بر شرایط ضروری عمل شهروندی تأکید کرده‌اند. صرف نظر از تفاوت‌های اساسی در تعاریف شهروندی، اکثراً به نحوی به اهمیت دسترسی به منابع در تحقق کامل شهروندی اشاره کرده‌اند. مارشال در فرایند تکاملی شهروندی به حقوق اجتماعی پرداخته که تعیین‌کننده‌ی استانداردهای مناسب زندگی است و حقوق اجتماعی را به معنای موقعیت رسمی شهروندی بر پایه‌ی منابع مادی دانسته است. این پیوند حتی در تحلیل صاحب‌نظرانی چون مارکس که تحقق شهروندی در نظام بورژوازی را فریب و ایده‌ی طبقه مسلط دانسته مشاهده می‌شود. ترنر نیز معتقد است که شهروندی دسترسی افراد و گروه‌های جامعه را به منابع کمیاب کنترل می‌کند. منظور ترنر از منابع کمیاب نه تنها شامل منابع اقتصادی سنتی، مسکن، سلامتی، درآمد و اشتغال می‌شوند بلکه منابع

فرهنگی از قبیل آموزش، دانش، مذهب و زبان را نیز شامل می‌شوند. حق دسترسی به منابع فرهنگی می‌تواند در قالب پارادایم سرمایه‌ی فرهنگی در تئوری اجتماعی پیر بوردیو، (مشخصاً در کتاب تمایزش (۱۹۸۴)) قرار گیرد. ترنر همچنین منابع سیاسی مربوط به دسترسی به منابع قدرت در جامعه مثل حق رای دادن، مشارکت سیاسی و مانند آن را نیز از همین منابع کمیاب می‌داند (ترنر، ۱۹۹۷: ۷ و ۶) که در قالب سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. در واقع، دریافت بوردیو از سرمایه، وسیع‌تر از معنای پولی سرمایه در اقتصاد است. سرمایه منبعی عام است که می‌تواند شکل پولی و غیر پولی و همچنین ملموس و غیر ملموس به خود گیرد (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶: ۵۸). بنابراین به نظر بوردیو هر منبعی که در عرصه‌ی خاصی اثر بگذارد و به فرد امکان دهد که سود خاصی را از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن به دست آورد، سرمایه است (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۳). به طور کلی، سه نوع سرمایه در جامعه ایفای نقش می‌کنند که تعیین‌کننده‌ی قدرت اجتماعی و نابرابری اجتماعی‌اند. سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی (اسمیت، ۱۳۸۷: ۲۲۰-۲۲۱). بوردیو، سرمایه‌ی فرهنگی را چنین تعریف می‌کند: صورت‌هایی از دانش، مهارت‌ها، آموزش و مزایایی که یک انسان واجد آن است و به او اجازه می‌دهد که جایگاه بالاتری در جامعه کسب کند (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۴). انواع سرمایه‌ی فرهنگی از دیدگاه بوردیو به سه صورت می‌تواند متجلی شود: ۱- حالت تجسم یافته یا ذهنی: نوعی ثروت بیرونی است که به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از فرد درآمده است. ۲- حالت عینیت یافته: یکی از عینی‌ترین اشکال سرمایه‌ی فرهنگی، مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه است. سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته در اشیاء مادی رسانه‌ها نظیر نوشتار، نقاشی، ابزار و نظایر آن و به طور کلی در مادیت آن، قابل انتقال است. (حسین‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۳-۵۴). ۳- حالت نهادی شده: این حالت نوعی رسمیت بخشیدن نهادی به سرمایه‌ی فرهنگی فرد است. این نوع سرمایه از قوانین و مقررات نهادینه شده حاصل می‌شود و برای دارنده‌ی آن، پایگاه اجتماعی ایجاد می‌کند مانند مدارک تحصیلی، تصدیق حرفه و...

(ربانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۵۵). سرمایه‌ی اجتماعی نیز از جمله مفاهیم چند وجهی در علوم اجتماعی است که در اوایل قرن بیستم به صورت علمی و آکادمیک مطرح و از سال ۱۹۸۰ وارد متون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی شد (وولکاک^۱، ۱۹۹۸: ۱۵۹). از نظر کلمن سرمایه‌ی اجتماعی نوعی موجودیت است که اولاً از جنبه‌هایی از ساخت اجتماعی برخوردار است، ثانیاً کنش‌های خاص کنشگران را در درون ساختار اجتماعی تسهیل می‌کند (کلمن، ۱۹۹۸: ۹۸). فوکویاما نیز سرمایه‌ی اجتماعی را هنجاری غیر رسمی می‌داند که همکاری بین دو یا چند نفر را افزایش می‌دهد؛ این هنجار می‌تواند طیفی وسیع از هنجارهای بین فردی تا هنجارهای پیچیده و گسترده را شامل شود. با این تعریف، اعتماد، شبکه‌ها، جامعه‌ی مدنی و امثال آن با سرمایه‌ی اجتماعی در ارتباطند (فوکویاما^۲، ۲۰۰۱: ۷). سرمایه‌ی اجتماعی مانند سایر اشکال سرمایه بر بهره‌وری و رفاه افراد و جوامع تأثیر دارد و در نتیجه به افراد برای رسیدن به اهدافی کمک می‌کند که در غیر اینصورت دست‌نیافتنی می‌نمود (ایروین^۳، لاگوری^۴، ریتیچی^۵ و فیتزپتریک^۶، ۲۰۰۸: ۱۹۳۵). در مجموع، ایده‌ی اصلی سرمایه‌ی اجتماعی آن است که شبکه‌های اجتماعی، یک دارایی با ارزش است.

با توجه به دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران، بحث سرمایه‌ی اجتماعی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی شامل اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و آگاهی اجتماعی است. این مؤلفه‌ها در یک رابطه‌ی متعامل با یکدیگر قرار گرفته و هرکدام تقویت‌کننده‌ی دیگری هستند.

همان‌طور که در نظریات نظریه‌پردازان بالا مشاهده می‌شود سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی به دسترسی افراد به منابع اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد. هرچه میزان این دسترسی بیشتر باشد، افراد سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بیشتری کسب خواهند کرد و

-
- 1- Woolcock
 - 2- Fukuyama
 - 3- Irwin
 - 4- LaGory
 - 5- Ritchey
 - 6- Fitzpatrick

خواهند توانست این منابع را برای کسب منابع بیشتر و یا تبدیل از حالتی به حالت دیگر صرف کنند. از سوی دیگر نظریه‌پردازان شهروندی، دسترسی به منابع را یکی از عوامل تأثیرگذار در زمینه‌ی تحقق شهروندی دانسته‌اند. کسانی چون ترنر و مارشال با تأکید بر حق دسترسی به منابع اقتصادی اجتماعی و فرهنگی معتقد بودند که شهروندی دسترسی افراد و گروه‌ها را به منابع کمیاب کنترل می‌کند بنابراین دسترسی به منابع می‌تواند عامل مؤثری در ایجاد احساس تعلق شهروندی در میان اعضای جامعه باشد. فردی که سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارد می‌تواند از آنچه شبکه‌های اجتماعی و منابع دیگر فرهنگی و اقتصادی جامعه در اختیار می‌گذارد، بهره‌مند گردد و خود را در رابطه با جامعه تعریف کند اما کسی که نتواند به این منابع دسترسی داشته باشد و یا دسترسی محدودتری داشته باشد، به همان نسبت خود را از جامعه جدا می‌بیند و احساس شهروندی او کمتر خواهد بود.

روش تحقیق:

تحقیق حاضر از نوع پیمایش اجتماعی^۱ بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است. اعتبار پژوهش حاضر از نوع اعتبار صوری بوده و ضریب پایایی احساس شهروندی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۷ و ۰/۹۱ بود.

جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل کلیه‌ی شهروندان ۲۵ سال به بالای شهر کاشان در سال ۱۳۹۲ بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰ برابر با ۲۷۵۳۲۵ نفر است. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۳۱۸ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردیده و با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای از مناطق مختلف شهر، افراد نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش

از مجموع ۳۱۸ پاسخگوی مورد بررسی در این پژوهش، ۵۹/۲ درصد مرد و ۴۰/۸ درصد

زن می‌باشند. از مجموع این افراد، ۷۱/۵ درصد متأهل؛ و ۲۸/۵ درصد مجرد هستند. سطح تحصیلات ۱۶/۷ درصد از پاسخگویان زیردیپلم، ۲۲/۷۳ درصد دیپلم، ۵۰/۶ درصد فوق دیپلم و لیسانس و ۸/۸ درصد فوق لیسانس و دکتری است.

۱. میزان احساس شهروندی پاسخگویان

با توجه به نتایج به دست آمده از توزیع گویه‌های مربوط به احساس شهروندی، میزان احساس شهروندی را با چهار بعد احساس برابری فرصتی، احساس برابری توزیعی و احساس هویت اجتماعی به شرح زیر است:

جدول ۱: توصیف احساس شهروندی و ابعاد آن

| متغیرها | میانگین | دامنه | انحراف استاندارد | کشیدگی | چولگی |
|----------------------|---------|-------|------------------|--------|-------|
| احساس شهروندی | ۲/۴۷ | ۱-۴ | ۰/۵۴ | -۰/۲۳ | ۰/۰۰۸ |
| احساس برابری فرصتی | ۲/۱۲ | ۱-۴ | ۰/۷۳۱ | -۰/۷۳ | ۰/۱۸ |
| احساس برابری توزیعی | ۲/۲۰ | ۱-۴ | ۰/۶۷۹ | -۰/۵۳ | ۰/۲۵ |
| احساس برابری مشارکتی | ۲/۵۷ | ۱-۴ | ۰/۷۱۸ | -۰/۳۸ | ۰/۰۰۷ |
| احساس هویت اجتماعی | ۲/۹۸ | ۱-۴ | ۰/۸۰۷ | -۰/۲۷ | ۰/۵۵ |

به نظر می‌رسد میزان احساس شهروندی در میان شهروندان کاشانی در سطح متوسط قرار دارد. از میان ابعاد احساس شهروندی احساس برابری فرصتی کمترین میانگین و احساس هویت اجتماعی بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده است. در میان شاخص‌های احساس شهروندی کمترین میانگین مربوط به شاخص فرصت شغلی و پس از آن اجرای برابر قانون در ادارات و بیشترین میانگین به احترام به فرهنگ و هویت کاشانی مربوط است.

۲. میزان سرمایه‌ی اجتماعی پاسخگویان

گویه‌هایی که برای بررسی سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در بین پاسخگویان توزیع شد نتایج زیر را به دست داده است:

جدول ۲: توصیف سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن

| متغیرها | میانگین | دامنه | انحراف استاندارد | کشیدگی | چولگی |
|------------------|---------|-------|------------------|--------|-------|
| سرمایه‌ی اجتماعی | ۲/۹۸ | ۱-۵ | ۰/۵۳۳ | ۰/۱۰ | ۰/۱۴ |
| اعتماد | ۲/۸۵ | ۱-۵ | ۰/۴۹۵ | ۰/۶۷ | ۰/۱۹ |
| انسجام | ۳/۳۴ | ۱-۵ | ۰/۴۹۴ | ۰/۴۵ | ۰/۱۰ |
| مشارکت | ۲/۹۳ | ۱-۵ | ۰/۸۰۵ | -۰/۰۹ | ۰/۲۴ |
| آگاهی | ۲/۸۰ | ۱-۵ | ۱/۰۴۹ | -۰/۵۳ | ۰/۳۰ |

همچنانکه در جدول مربوط قابل مشاهده است به نظر می‌رسد میزان سرمایه‌ی اجتماعی نیز در میان شهروندان کاشانی در سطح متوسط قرار دارد. از میان ابعاد، آگاهی (۲/۸۵) کمترین میانگین و انسجام، (۳/۳۴) بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده است. از میان شاخص‌های این مفهوم بیشترین میانگین (۳/۷۹) مربوط به شاخص شرکت در مراسم مذهبی و دسته‌های عزاداری است و کمترین میانگین (۲/۱۳) مربوط به اهمیت نظر فرد در انتخابات شورای شهر و هیأت امنای محل است.

۳. میزان سرمایه‌ی فرهنگی پاسخگویان

شاخص‌های توصیفی سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد مربوط به آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳: توصیف سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد آن

| متغیرها | میانگین | دامنه | انحراف استاندارد | کشیدگی | چولگی |
|-----------------------|---------|-------|------------------|--------|-------|
| سرمایه‌ی فرهنگی | ۱/۸۸ | ۱-۵ | ۰/۴۶ | -۰/۰۵ | ۰/۳۹ |
| سرمایه‌ی فرهنگی عینی | ۲/۱۶ | ۱-۵ | ۰/۵۹ | -۰/۱۸ | ۰/۲۹ |
| سرمایه‌ی فرهنگی ذهنی | ۲/۲۴ | ۱-۵ | ۰/۶۵ | -۰/۴۳ | ۰/۲۰ |
| سرمایه‌ی فرهنگی نهادی | ۱/۲۳ | ۱-۵ | ۰/۳۴ | ۴/۱۰ | ۱/۹۷ |

همچنان که دیده می‌شود به نظر می‌رسد میزان سرمایه‌ی فرهنگی در میان شهروندان کاشانی از سطح متوسط پایین‌تر است. از میان ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه‌ی فرهنگی

نهادی کمترین میانگین (۱/۲۳) و سرمایه‌ی فرهنگی ذهنی بیشترین میانگین (۲/۲۴) را به خود اختصاص داده است. از میان شاخص‌های سرمایه‌ی فرهنگی کمترین میانگین (۱/۰۴) مربوط به داشتن مدرک در زمینه‌ی نقاشی است و بیشترین میانگین (۲/۸۷) مربوط به در اختیار داشتن کامپیوتر است.

آزمون فرضیات

رابطه‌ی احساس شهروندی با سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی

در این پژوهش، سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی به عنوان متغیر مستقل و میزان احساس شهروندی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است. برای بررسی رابطه‌ی بین این دو متغیر کمی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌گردد. جدول زیر نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۴: آزمون رابطه میان احساس شهروندی با سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی

| سرمایه‌ی اجتماعی | سرمایه‌ی فرهنگی | | |
|------------------|-----------------|--------|---------------|
| .450** | .186** | پیرسون | احساس شهروندی |
| .000 | .001 | Sig | |

با توجه به نتایج به دست آمده برای هر دو متغیر مستقل سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی میزان $\text{sig}=0/00$ رابطه‌ی مثبت و مستقیمی بین احساس شهروندی و میزان سرمایه‌ی اجتماعی و همچنین بین احساس شهروندی و سرمایه‌ی فرهنگی در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ وجود دارد. این بدان معناست که هرچه شهروندان سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی بیشتری در اختیار داشته باشند بیشتر احساس شهروندی خواهند کرد. همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۴ مشاهده می‌شود همبستگی احساس شهروندی با میزان سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر از همبستگی این مفهوم با سرمایه‌ی فرهنگی است.

تحلیل رگرسیون چندگانه

رگرسیون خطی چند متغیره برای تحلیل دو یا چند متغیر مستقل در تغییرات یک متغیر وابسته مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این تحقیق متغیر وابسته "احساس شهروندی" و

متغیرهای مستقل سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی است.

جدول ۵: بررسی پیش‌بینی احساس شهروندی براساس سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی

| مدل | R | مجذور R | مجذور R اصلاح شده | خطای استاندارد برآورد |
|-----|------|---------|-------------------|-----------------------|
| ۱ | .۴۵۰ | .۲۰۳ | .۱۹۸ | .۴۸۴۹۹ |

پیش‌بینی کننده: سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در جدول شماره‌ی ۵ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه بین سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی با احساس شهروندی برابر با ۰/۴۵ است؛ در واقع می‌توان برآورد نمود که حدود ۲۰٪ از واریانس احساس شهروندی توسط سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی قابل تبیین است.

جدول ۶: ضرایب رگرسیونی استاندارد و غیر استاندارد متغیرهای پیش‌بین

| سطح معناداری | آماره t | ضرایب استاندارد | ضرایب غیر استاندارد | | مدل | |
|--------------|---------|-----------------|---------------------|-------|------------------|---|
| | | Beta | خطای استاندارد | B | | |
| .۰۰۰ | ۰/۶۰۰ | | .۱۶۶ | ۰/۷۸۱ | مقدار ثابت | ۱ |
| .۰۶۷ | .۰۵۷۳ | .۰۳۱ | .۰۶۲ | .۰۳۶ | سرمایه‌ی فرهنگی | ۲ |
| .۰۰۰ | ۱۴۵/۸ | .۴۳۹ | .۰۵۵ | .۴۴۵ | سرمایه‌ی اجتماعی | ۳ |

ضرایب رگرسیونی استاندارد و غیر استاندارد متغیرهای پیش‌بین در جدول بالا ارائه شده است. همچنان که در جدول بالا دیده می‌شود سطح معناداری حاصل از آزمون t در بررسی معناداری ضریب رگرسیونی سرمایه‌ی فرهنگی از سطح ۰/۰۵ بالاتر است بنابراین سرمایه‌ی فرهنگی را نمی‌توان در معادله‌ی رگرسیونی برای پیش‌بینی نمره‌ی احساس شهروندی وارد نمود. به نظر می‌رسد این امر به دلیل پایین بودن میزان سرمایه‌ی فرهنگی در میان شهروندان

باشد. براساس ضرایب غیر استاندارد ارائه شده در جدول بالا می‌توان گفت که یک واحد تغییر در انحراف استاندارد سرمایه‌ی اجتماعی، ۴۳۹٪ واحد تغییر در انحراف استاندارد احساس شهروندی ایجاد می‌نماید.

نتیجه گیری

شهروندی و به تبع آن، احساس شهروندی یکی از مهمترین عرصه‌های سیاسی - اجتماعی است که در طول تاریخ به اشکال گوناگون و با تعابیر مختلف حقوقی، سیاسی و فلسفی رواج داشته است و پایگاه افراد را در رابطه با جامعه مشخص می‌کند. اگر بخواهیم یک جامعه‌ی انسانی با ثبات داشته باشیم، نیازمند وجود حس تعهد میان اعضای جامعه هستیم. افراد نه فقط به خاطر عضویت در جامعه و یا حقوق و تکالیفشان بلکه به خاطر احساس پیوستگی با جامعه و همشهریان‌شان، شهروند تلقی می‌شوند. بنابراین به نظر می‌رسد احساس شهروندی در تعیین عضویت و یا عدم عضویت در جامعه مؤثر است. افراد برای عمل به شهروندی نیازمند احساس عضویت در بین شهروندان هستند و بر همین اساس می‌توان نتیجه گرفت که احساس شهروندی انگیزه‌ای کلیدی برای عمل به شهروندی است.

در یک جمع‌بندی بررسی سوابق نظری در حوزه‌ی شهروندی حاکی از آن بود که دسترسی به منابع مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از عوامل تعیین‌کننده‌ی تحقق شهروندی است و می‌تواند بر احساس شهروندی نیز تأثیرگذار باشد بنابراین می‌توان سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی را از عوامل اجتماعی فرهنگی تأثیرگذار بر میزان احساس شهروندی دانست.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان احساس شهروندی شهروندان کاشانی در سطح متوسط قرار دارد و بعد احساس هویت اجتماعی بالاتر از احساس برابری فرصتی، توزیعی و مشارکتی است؛ این نتیجه با نتایج تحقیق یوسفی و هاشمی همسوست بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که گرچه شهروندان کاشانی نحوه‌ی توزیع منابع و دسترسی فرصت‌ها را مطلوب نمی‌دانند که نشان‌دهنده‌ی ضعف در ابعاد دموکراتیک و قانونی شهروندی در کاشان است، اما بالاتر بودن هویت اجتماعی می‌تواند حاکی از آن باشد که ذخایر مذهبی و سنتی

توانسته است به احساس شهروندی شهروندان کمک کند.

سرمایه‌ی اجتماعی در مقایسه با سرمایه‌ی فرهنگی از سطح بالاتری برخوردار است. میانگین سرمایه‌ی اجتماعی در سطح متوسط است. در میان ابعاد این مفهوم، آگاهی اجتماعی کمترین میانگین و انسجام اجتماعی بیشترین میانگین را دارد. پس از انسجام، مشارکت و اعتماد در رده‌های بعدی قرار دارند. به نظر می‌رسد از آنجا که شهر کاشان یک شهر تاریخی سنتی و مذهبی است، سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان کاشانی بیش از آنکه متأثر از فرایندهای دموکراتیک باشد ریشه در ذخایر مذهبی و سنتی داشته باشد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، بیشترین میزان مشارکت مربوط به شرکت در مراسم مذهبی است و میزان بالای انسجام اجتماعی با توجه به سطح پایین اعتماد و آگاهی نیز می‌تواند متأثر از آداب و رسوم سنتی جامعه‌ی کاشان باشد؛ بالا بودن میانگین مربوط به احترام به فرهنگ و رسوم کاشانی در بعد انسجام مؤید این موضوع است.

داده‌های پیمایش نشان می‌دهند که میانگین میزان مشارکت اجتماعی شهروندان بالاتر از متوسط است اما در مقایسه، احساس برابری مشارکتی که بیشتر به مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی مربوط می‌شود تا امور مذهبی، میزان پایین‌تری دارد. این بدان معناست که شهروندان کاشانی قابلیت مشارکت اجتماعی بالایی دارند که نهادهای مذهبی به خوبی از آن استفاده کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد نهادهای سیاسی اجتماعی نتوانسته‌اند در جلب آن چندان موفق عمل کنند و شهروندان نیز احساس می‌کنند که امکان مشارکت مؤثر آنان در این زمینه‌ها کمتر وجود دارد. این امر می‌تواند یکی از عواملی باشد که مانع از افزایش میزان احساس شهروندی در شهر کاشان می‌شود.

داده‌های پژوهش سرمایه‌ی فرهنگی را در سطح پایین‌تری از میانگین نشان می‌دهد. میانگین هر سه بعد سرمایه‌ی فرهنگی پایین‌تر از سطح متوسط است اما میزان سرمایه‌ی فرهنگی نهادی با میزان ۱/۲۳ کمترین میزان را به خود اختصاص داده است که نشان می‌دهد فعالیت نهادهای فرهنگی در شهر کاشان ضعیف بوده است و نهادهایی که بتواند به طور رسمی مهارت‌های فرهنگی خاص را آموزش دهد و با ارائه‌ی مدرک توانایی افراد را تأیید کند کمتر

در دسترس افراد قرار دارند. در میان ابعاد سرمایه، سرمایه‌ی فرهنگی ذهنی، بیشترین میانگین را داشته است که نشان‌دهنده‌ی توجه بیشتر شهروندان به آموزش و کسب آگاهی و مهارت‌های فرهنگی است. در هر سه بعد عینی، ذهنی و نهادی بیشترین میانگین مربوط به کامپیوتر و اینترنت بوده است که نشان‌دهنده‌ی توجه شهروندان کاشانی به مهارت‌های مدرن و حمایت نهادهای مربوط از گسترش آن است. این امر می‌تواند ناشی از احساس نیاز روزافزون به کامپیوتر و اینترنت در زندگی روزمره‌ی شهروندان باشد. در مقابل زمینه‌هایی مانند نقاشی، هنرهای تجسمی و تئاتر کمترین میانگین‌ها را به خود اختصاص داده‌اند؛ این امر هم ناشی از عدم توجه شهروندان و هم نتیجه‌ی عدم سرمایه‌گذاری نهادهای مسؤوّل است. به عنوان مثال در زمینه‌ی تئاتر، شهر کاشان فاقد سالن تئاتر فعال است بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که میزان تماشای تئاتر سطح بالایی را به خود اختصاص دهد؛ در حالی که مراکز آموزشی کامپیوتر و خدمات وابسته به آن به مراتب بیشتر از مراکز آموزش موسیقی، نقاشی و هنرهای تجسمی است. هر چند کاربردی‌تر بودن کامپیوتر در زندگی روزانه، دلیل عمده‌ای برای توجه بیشتر شهروندان است اما کمبود مراکز آموزشی و خدماتی می‌تواند از عوامل عدم توجه به سایر زمینه‌های فرهنگی باشد. از سوی دیگر از آنجا که کاشان شهری تاریخی است و سابقه‌ی زیادی در زمینه‌ی صنایع دستی داشته است، انتظار می‌رود که سطح مهارت‌های شهروندان در زمینه‌ی صنایع دستی بالاتر باشد؛ حال آنکه میزان مهارت در زمینه‌ی صنایع دستی نسبت به بیشتر زمینه‌های فرهنگی پایین‌تر است. این امر می‌تواند دلایل متعدد اقتصادی، اجتماعی داشته باشد که تغییر سبک زندگی، کاهش بازده اقتصادی و همچنین کمبود مراکز آموزشی مناسب برای حفظ و توسعه این مهارت‌ها و ارائه‌ی مدارک رسمی را می‌توان از عوامل مهم آن دانست.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون فرضیه‌ی رابطه‌ی احساس شهروندی با سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی را تأیید می‌کند. این نتایج نظریات مارشال و ترنر در رابطه بین دسترسی به منابع اجتماعی و فرهنگی با شهروندی را تأیید می‌کند. در انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره از بین دو متغیر مستقل سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی، معناداری ضریب رگرسیونی

سرمایه‌ی اجتماعی از سطح ۰/۰۵ کمتر و سرمایه‌ی فرهنگی از آن بیشتر بود؛ بنابراین سرمایه‌ی اجتماعی در معادله‌ی رگرسیونی باقی می‌ماند. با توجه به نتایج می‌توان گفت ضریب تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر احساس شهروندی، ۰/۴۳۹ است. بنابراین نتایج حاصل از یافته‌های نظری، درباره‌ی رابطه‌ی منابع اجتماعی و فرهنگی با شهروندی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

از آنجا که رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی با میزان احساس شهروندی تأیید شد بنابراین یکی از اهداف اصلی بسیاری از نهادهای اجتماعی شهری باید کمک به افزایش این سرمایه‌ها باشد. نهادهایی مانند آموزش و پرورش؛ مؤسسات مردم نهاد (ngo)، صدا و سیما و یا فرهنگ و ارشاد اسلامی، مساجد و شهرداری‌ها می‌توانند با پرداختن به مسائل اجتماعی فرهنگی و ارائه‌ی اطلاعات و آموزش‌های مرتبط و ایجاد زمینه‌های مناسب برای فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی به افزایش سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی و در نتیجه احساس شهروندی کمک نمایند.

با این وجود چنانچه بخواهیم راهکاری جامع در زمینه‌ی تحقق شهروندی و ارتقا سطح احساس شهروندی ارائه دهیم باید به ایجاد یک هسته‌ی مرکزی برنامه‌ریزی بیندیشیم که علاوه بر ایجاد مرکزی برای کمک به افزایش سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی از طریق فعالیت‌های آموزشی، هنری و فرهنگی و ایجاد امکانات مناسب برای گسترش فعالیت‌های مشارکتی شهروندی بتواند فعالیت‌های سایر مراکز اجتماعی فرهنگی را در راستای تحقق اهداف شهروندی هدایت کند. چنین مرکزی می‌تواند محلی برای فعالیت‌های مردم‌نهاد، آموزش انواع مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی و امکاناتی برای مشارکت شهروندان برای مشارکت در انجام امور مربوط به خدمات شهری ایجاد کند. این مرکز می‌تواند برنامه‌هایی را برای فعالیت سایر نهادهای فرهنگی و اجتماعی تدوین نماید، چنانچه این نهادها موظف به همکاری این مرکز توسعه شهروندی باشند، فعالیت‌های پراکنده‌ی فرهنگی - اجتماعی می‌توانند در یک راستا قرار گرفته و یکدیگر را تقویت کنند. چنین فعالیت‌هایی می‌تواند با ایجاد زمینه‌ی تحقق شهروندی، احساس شهروندی را در شهروندان تقویت نماید.

منابع

- اسمیت، فیلیپ. (۱۳۸۷). درآمدی بر نظریه‌ی فرهنگی، ترجمه‌ی حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- برناردی، برونو. (۱۳۸۲). مردم‌سالاری در تاریخ اندیشه‌ی غرب، با متن‌هایی از آرنست، ارسطو، کاستوریادیس، سیسرون، کنستان، هابرماس...، ترجمه‌ی عباس باقری: تهران، نشر نی.
- پور عزت، علی اصغر، باغستانی برزکی، حوریه و نجاتی آجی بیسه، مصطفی. (۱۳۸۶). الگوی منطقی منشور حقوق شهروندی بر پایه‌ی بررسی تطبیقی اسناد موجود، رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره‌ی ۲۶.
- پورعزت، علی اصغر وقلی پور، آرین و باغستانی برزکی، حوریه. (۱۳۸۸). رابطه‌ی آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان‌ها، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره‌ی ۳۸، صص ۴۰-۷.
- توانا، محمد علی. (۱۳۹۰). برابری جنسیتی در نظریه‌ی شهروندی متمایز ایریس ماریون یانگ، زن در توسعه و سیاست، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۴، صص ۴۲-۲۷.
- توسلی، غلامعباس و نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۲، صص ۶۲-۳۲.
- حسین‌زاده، میکائیل. (۱۳۸۸). بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و هویت اجتماعی در بین دانشجویان تبریز، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال دهم، شماره‌ی ۱، صص ۷۳-۴۹.
- راد، فیروز، تدوین فردرو محسن و رضوانی اصغر. (۱۳۸۱). دولت مردم همگرایی (منتخب مجموعه مقالات هشت گردهمایی دولت و مشارکت مردمی به مناسبت هفته دولت)، جلد دوم، تهران: نشر آن.
- ربانی، رسول، ربانی، علی، عابدی، محمدرضا و گنجی، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره‌ی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره‌ی ۸، ص ۴۱.
- روحانی، حسن. (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه سرمایه‌ی فرهنگی، فصلنامه‌ی راهبرد، سال

- هجدهم، شماره‌ی ۵۳، صص ۷-۳۵.
- زارع، حمید. (۱۳۸۹). رفتارهای شهروندی در جامعه‌ی دینی، فلسفه‌ی دین، سال هفتم، شماره‌ی هفتم، پاییز ۱۳۸۹، صص ۱۴۲-۱۱۹.
 - شیانی، ملیحه و داودوندی، طاهره. (۱۳۸۹). تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان، فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره‌ی ۵.
 - شیانی، ملیحه. (۱۳۸۱). تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۳، صص ۸۰-۶۰.
 - عاملی، سعید رضا. (۱۳۸۰). تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۱۸، صص ۲۰۰-۱۶۷.
 - فاطمی‌نیا، سیاوش. (۱۳۸۶). فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، شماره‌ی ۲۶، ص ۳.
 - فاطمی‌نیا، سیاوش و حیدری، سیامک. (۱۳۸۷). عوامل مرتبط با تعهدات شهروندی، رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره‌ی ۳۸، صص ۶۴-۴۱.
 - فالکس، کیث. (۱۳۸۱). شهروندی، ترجمه‌ی محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.
 - گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
 - منوچهری، عباس و نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۵). درآمدی بر نظریه‌ی شهروندی گفت و گویی در فلسفه‌ی سیاسی هابرماس، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۹، صص ۱-۲۸.
 - نبوی، سیدعبدالحسین و ارشاد، فرهنگ و فاضل، سیدحسام الدین. (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر احساس شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال دهم.
 - نوروزی، فیض اله و گل پرور، منا. (۱۳۹۰). بررسی میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه‌ی راهبرد، شماره‌ی ۵۹، صص ۱۹۰-۱۶۷.
 - نیازی، محسن و کارکنان، محمد. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال هشتم، شماره‌ی ۳، صص ۵۵-۸۰.

- هزار جریبی، جعفر و صفری شالی، رضا. (۱۳۹۰). بررسی تعامل دو مفهوم شهروندی و امنیت اجتماعی، فصلنامه‌ی نظم و امنیت انتظامی، شماره‌ی سوم، سال سوم، صص ۱۸۴-۱۵۷.
- هزارجریبی، جعفر و امانیان، ابوالفضل. (۱۳۹۰). آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره‌ی نهم.
- یوسفی، علی و عظیمی‌هاشمی، مژگان. (۱۳۸۷). احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی نهم، شماره‌ی ۳ و ۴.
- Brubaker, Rogers & Cooper, Frederick (2000), Beyond identity, Theory and Society, 29: 1-47.
- Coleman, James (1988), "Social Capital in the creation of Human Capital." American journal of sociology 94(supplement):S95-S120.
- Dahrendorf, R (1994). "Citizenship and Beyond: The social Dynamics of an Idea", in B.S Turner and P.Hamilton(ed) Citizenship Critical Concept, London: Routledge
- Dwyer, Peter (2002), Making sense of social citizenship: some user views on welfare rights and responsibilities, Critical Social Policy, vol. 22 no. 2, 273-299
- Ebadollahi, Chanzanagh, Hamid, Mansoori Farid, Zarsazkar Mahdi (2011), Citizenship values in school subjects: a case-study on Iran's elementary and secondary education school subjects, Procedia Social and Behavioral Sciences 15 3018-3023
- Fukuyama, Francis (2001): Social capital, civil society and development, Third World Quarterly, 22:1, 7-20
- Garcia, soledad (1996), Cities and citizenship, Black well Publishers.
- Heater, Derek. (2006). Citizenship in Britain A History, Edinburgh University Press.
- Howe, Braian & covell, katerine (2005), empowering children: children's rights education as a pathway to citizenship, university of Toronto press.
- Irwin, Jay, Lagory, Mark, Ritchey, Ferris Fitzpatrick, Kevin (2008) Social assets and mental distress among the homeless: Exploring the roles of social support and other forms of social capital on depression, Social Science & Medicine, Volume 67, Issue 12, Pages 1935-1943
- Oldfield, A (1990), Citizenship and Community: Civic Republicanism and the modern world. London: Routledge
- Oliver, D. Heater, D. (1994). The foundation of citizenship. New York: Harvester wheatsheaf.
- Osler, Audrey & Starkey, Hugh (2005), changing citizenship democracy and inclusion in education, open university press.

- Pakulski, Jan (1997), Cultural citizenship, citizenship studies, vol.1, no.1.
- Turner, Bryan S(2006), The Cambridge Dictionary of Sociology, Cambridge University Press.
- Turner, Bryan S(1997), Citizenship Studies: A General Theory, citizenship studies, vol.1, no. 1
- Woolcock, Michael (1998), social capital and Economic Development: Toward a Theoretical synthesis and policy Framework. Theory and Society, Volume. 27, No. 2, pp. 151-208